

امید است این روند معکوس شده و تولید را فدای رضایت‌های زودگذر آحاد جامعه نماییم و صادقانه محدودیت‌ها را با مردم در میان گذاشته و از آنها برای گذر از این شرایط بحرانی و خاص کمک بخواهیم، چراکه بعضی از فرصت‌ها تکرار شدنی نیستند و افسوس خوردن به خاطر از دست دادن آنها در آینده، هیچ دردی را دوا نخواهد کرد. ■

جاری روند نزولی داشته و کسری بودجه که برای هزینه‌های جاری کشور به وجود می‌آید همواره از ناحیه کاهش هزینه‌های محدود عمرانی تأمین شده است. عوارض منفی این موضوع را نیز در کاهش محصول ناخالص ملی کشور، بالا رفتن نرخ بیکاری، وابستگی بیشتر به واردات و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری‌های مولد می‌بینیم.

شدت بالای مصرف انرژی در ایران

بریز و پاش ثروت ملی



تحلیل مهندس عباس کاظمی، مدیر عامل شرکت بهینه‌سازی سوخت از انرژی در ایران

تمام حمایت‌های تکنولوژیکی و سرمایه‌های آمریکا مبنی بر تولید ۲۰ میلیون بشکه نفت در روز شکست خورده است. در زمینه نقش سرمایه‌گذار خصوصی داخلی و خارجی در بخش انرژی کشور، سیاست‌هایی اتخاذ شده است که بای‌بک و فاینانس از آن جمله‌اند. بخش خصوصی از قدرت بالایی برخوردار است، ولی باید آن را هدایت نمود. در این راستا مقام معظم رهبری با ابلاغ کلیات اصل ۴۴ راه را برای ورود بخش خصوصی باز کرده‌اند که با سرمایه‌گذاری در سطوح پایین‌دستی صنعت نفت - با توجه به این اصل که سرمایه‌گذاری در بخش پایین‌دستی، همچون پالایشگاه‌ها و خطوط انتقال نفت و گاز به سرمایه‌ای برابر با بخش بالادستی نیازمند است - می‌تواند منشأ خیرات فراوانی در این حوزه شود.

کارایی ناچیز انرژی

کشورمان از منظر شدت مصرف انرژی با شدت مصرفی معادل ۹۰۷ پس از فدراسیون روسیه با شدت مصرف هزار و ۵۰ در جایگاه دوم جهان قرار دارد - گفتنی است استاندارد دنیا در این زمینه برابر با ۲۸۰ است. این نسبت بیان‌کننده میزان عدم کارایی انرژی است و نشان می‌دهد برای دستیابی به یک میلیون دلار درآمد ناخالص داخلی، چه مقدار انرژی مصرف می‌شود.

متأسفانه ما برای به دست آوردن یک میلیون دلار درآمد ناخالص می‌باید ۹۰۷ میلیون تن نفت خام مصرف کنیم، در حالی که این عدد در ژاپن معادل ۶۰ می‌باشد که نشان از کارایی بسیار پایین انرژی در ایران دارد. علت آن هم بیشتر به دلایل قیمتی آن برمی‌گردد، چراکه در سی سال گذشته بر اساس مکانیزم بازار عمل‌نکرده‌ایم و انرژی را به صورت رایگان در اختیار مردم قرار داده‌ایم. روسیه هم در گذشته بدون توجه به نظام عرضه و تقاضا به عرضه ارزان انرژی در این کشور پرداخت، اما با فروپاشی شوروی، آنها هم کم‌کم به سوی نظام بازار حرکت کردند. در برخی موارد از جمله نفت سفید و نفت‌گاز، حتی عرضه محصول با زیان همراه بوده است، چراکه هزینه حمل و نقل این فرآورده‌ها لیتری ۱۸ تومان است، در حالی که قیمت دریافتی از مصرف‌کننده زیر ۱۸ تومان است.

در بخش تولید سیمان، پس از سال ۷۹ استاندارد سوخت تا حدودی رعایت شد، اما در بخش عمومی - مسکن و ساختمان - و در مبحث ۱۹ (اجبار بهینه‌سازی مصرف سوخت در ساختمان) متأسفانه توفیقات چندانی حاصل نشد، چراکه آمار نگران‌کننده‌ای وجود دارد، به طوری که ۴۰ درصد انرژی در

در حال حاضر، کشور ما از یک تناسب در تولید به نسبت ذخایر برخوردار است. البته با نگاهی به وضعیت کنونی انرژی ایالات متحد آمریکا و میزان قابل توجه برداشت این کشور از ذخایر کشف شده خود در سال‌های اخیر و با توجه به سهم بسزای ۳۵ درصدی زغال‌سنگ در این کشور به عنوان منبعی قابل اتکا برای انرژی در کنار سهم ۲۰ درصدی نفت در سبد مصرفی آن می‌توان به تفاوت‌های موجود بین این کشور و ایران پرداخت. ناگفته پیداست که قیاس این دو کشور با توجه به تفاوت‌های موجود در شرایط و تکنولوژی متفاوتی که آمریکا نسبت به کشور ما دارد عملی نیست.

متأسفانه تکنولوژی که از پایه‌های بهره‌وری و پویایی تکنولوژی است، به دلیل اقتصاد دولتی حاکم بر کشور ما نتوانسته به رشد مطلوبی دست پیدا کند. ولی در کشوری چون آمریکا که اقتصادی بسیار باز بر آن حاکم است، بخش خصوصی نقش گسترده‌ای دارد و دولت تنها ناظر و دریافت‌کننده مالیات است. همین مسأله باعث رشد تکنولوژی و بهره‌وری در این کشور شده است. جالب است بدانیم که کشورهای غربی، هر ساله استانداردهای خود را مورد بازنگری قرار می‌دهند و با بررسی نقاط ضعف و قوت خود به بهبود اوضاع اهتمام می‌ورزند.

نگاهی به وضعیت اقتصادی این کشورها مبین تناسب آنها با استانداردهایی است که هر از چند گاهی در صنعت به روز می‌شوند و یا با ترقی آنها و به دلیل چرخش واقعی سرمایه و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، رشد قابل ملاحظه‌ای را ایجاد کرده است. اما در مقام مقایسه بهتر است کشورمان را با کشورهای مثل عراق که از لحاظ بافت‌های سیاسی و جغرافیایی و شرایط و منابع طبیعی، نزدیکی بیشتری به ما دارند، مقایسه نماییم. اگرچه عراق در چند سال اخیر، رشد قابل توجهی در تولید نفت داشته، اما باید به یاد داشته باشیم که این کشور در سال‌های گذشته، تولیدی معادل ۵ میلیون بشکه داشت، ولی پس از حصر سازمان ملل و به دنبال آن، جنگ با کویت و آمریکا تمام زیرساخت‌های نفتی عراق نابود شدند و این عامل باعث شد تا میزان استخراج نفت این کشور به ۲ میلیون بشکه در روز کاهش یابد و نشان می‌دهد که رشد حال حاضر عراق، رشدی نقطه‌ای است.

راه‌حل‌های عربی

در مورد عربستان و قطر باید به مکانیزمی اشاره کرد که البته مورد تأیید کشور ما نیست و با برنامه‌های ما در تناقض است و آن این که قراردادهای این دو کشور بر مبنای مشارکت و با شرط "ذخایر از عربستان و سرمایه از دیگری" تنظیم می‌شود که در نهایت محصول به صورت مساوی بین دو کشور تقسیم می‌شود. در مقابل، دقت در این نکته لازم است که این تئوری عربستان، علیرغم

میزان را به ۲۵ کیلووات ساعت برسانند، در صورتی که مطابق با اهداف سند چشم‌انداز، اگر به صورت کامل عمل کنیم، مصرف ما معادل ۶۰ خواهد بود. در بخش خودرو در ۱۰ سال گذشته اقدامات مناسبی صورت گرفته، به طوری که مصرف - با از رده خارج شدن خودروهای نیسان و پیکان - از ۱۴ لیتر به زیر ۱۰ لیتر رسیده است. ما در سال معادل ۸۰ میلیارد دلار یارانه می‌دهیم که اگر این رقم را در توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل همچون مترو بکار گیریم، علاوه بر کاهش شدت مصرف انرژی در کشور، به امر توسعه نیز کمک شایانی کرده‌ایم. ■

ساختمان مصرف می‌شود. نکته جالب آن است که اجرای مبحث ۱۹ هزینه چندانی هم دربر ندارد، چراکه هزینه هر یک مترمربع آن معادل ۳۸ هزار تومان می‌شود که در مقایسه با قیمت مثلاً ۳ میلیون تومانی آپارتمان بسیار اندک است، ولی همین میزان اندک می‌تواند به کاهش نیمی از مصرف بپردازد. همچنین یک ساختمان در طول سال معادل ۵۸۰ کیلووات ساعت انرژی مصرف می‌کند که این رقم در کشورهای اسکاندیناوی معادل ۶۰ کیلووات است که بر اساس اهداف تعریف شده جدید این کشورها که اتفاقاً از نظر زمانی با افق ۱۴۰۴ ایران، همخوانی نزدیکی دارد، در نظر دارند که این

قیمت کالاها و قیمت ارز

نرخ ارز گران است یا ارزان؟



ثبات اقتصادی و اثرات آن در حوزه‌های پولی، ارزی و سیاستی از دیدگاه دکتر محمدحسین ادیب، عضو بازنشسته هیأت علمی دانشگاه اصفهان

شاخص برابری قدرت خرید، مهمترین شاخصی است که نشان می‌دهد نرخ ارز در یک کشور تا چه اندازه واقعی است. در این شاخص، قدرت خرید قیمت هزار و ۸۰۰ قلم کالا در ۱۹۶ کشور با آمریکا مقایسه می‌شود. نتایج نشان می‌دهند که در ۱۶۲ کشور از بین کشورهای مذکور، شاخص برابری قدرت خرید در هر کشور، تنها در حدود ۲۰ درصد با آمریکا تفاوت دارد که این تفاوت یا بیش از قدرت خرید در آمریکا است و یا کمتر از آن. به عبارت دیگر، قیمت کالاها و خدمات با نرخ ارز موجود کشورها فقط تا ۲۰ درصد با آمریکا تفاوت دارد و این نشان می‌دهد نرخ ارز در ۱۶۲ کشور تقریباً واقعی تعیین شده است. اما در ۳۲ کشور دیگر، قیمت کالاها با آمریکا بسیار متفاوت است. ایران، هند، ویتنام و چین در زمره این کشورها هستند.

میلیارد تومان یارانه انرژی پرداخت می‌کند. بر این اساس، حذف یارانه انرژی، توری حدود ۳۴ درصد ایجاد می‌کند، چراکه هزینه‌های خانوار ایرانی به ۱۶۲ هزار میلیارد تومان افزایش می‌یابد. هرچند این شیوه برای محاسبه تورم ایجاد شده ناشی از حذف یارانه انرژی ایراداتی دارد، اما دورنمایی است از تورم ایجاد شده پس از سیاست حذف یارانه‌ها در کشور. ناگفته پیداست تا زمانی که یارانه انرژی حذف نشود، قیمت کالاها و خدمات در ایران قیمت‌های تحریف شده هستند و جامعه بر اساس قیمت‌های غلط سرمایه‌گذاری می‌کند.

در این ارتباط با مراجعه به آمارهای رسمی و با نرخ ۹۵۰ تومانی دلار، میزان محصول ناخالص ملی ایران در حدود ۲۴۰ میلیارد دلار و با شاخص برابری قدرت خرید ۹۰۰ میلیارد دلار است. به عبارت صریح‌تر، با معیاری که نرخ ارز در ۱۶۲ کشور جهان تعیین شده است، نرخ دلار در ایران باید حدود ۳۰۰ تومان باشد که علت تعیین بالای نرخ ارز در ایران، پایین بودن بهره‌وری در تولید کالاهای قابل مبادله با خارج است. بر این اساس می‌توان به میزان ۴۰ میلیارد دلار سوسپید پرداخت شده دولت برای ۲۰ میلیارد دلار صادرات در سال ۸۶ استناد کرد که این امر حکایت از این حقیقت دارد که روند کنونی صادرات غیرنفتی در کشور، مولد فقر عمومی است و آنچه که واقعا ۶۰ میلیارد دلار ارزش دارد، به قیمت ۲۰ میلیارد دلار صادر می‌شود و اگر صادرات غیرنفتی متوقف شود این ۴۰ میلیارد دلار در اقتصاد کشور باقی می‌ماند.

نرخ‌های تعرفه
سؤال آن است که آیا نرخ‌های تعرفه گمرکی در ایران واقعی هستند؟ متوسط تعرفه گمرکی در کشورهای عضو WTO، ۳/۶ درصد است و ۴۰ درصد از کالاها معاف از پرداخت حقوق گمرکی هستند، به عبارت دیگر، متوسط نرخ تعرفه برای کالاهای مشمول تعرفه حدود ۶ تا ۷ درصد است. در حالی که تعرفه کالاهای ساخته شده در ایران بین ۲۰ تا ۸۰ درصد است و در نتیجه قیمت بسیاری از کالاهای ساخته شده ایرانی ۲ تا ۳ برابر بازارهای جهانی است و این نشان می‌دهد که اقتصاد دچار عدم تعادل جدی است.

ثبات اقتصادی
ارزیابی اقتصاددانان از ثبات اقتصادی ارزیابی مثبتی است، اما ثبات پدیده‌ای است که پس از جراحی اقتصادی در سه حوزه نرخ ارز، قیمت کالاها و تعرفه‌های گمرکی حاصل می‌شود. هر اندازه جراحی اقتصادی در ۳ حوزه فوق با سیاست‌های تأخیری انجام شود، اقتصاد ایران با سرعت بیشتری به سوی "شوک درمانی" حرکت می‌کند. جامعه باید هم از جراحی اقتصادی و هم از ثبات اقتصادی در کنار یکدیگر ارزیابی مثبت داشته باشد، اما دسترسی به دومی فقط زمانی ممکن است که قیمت‌گذاری کالاها و خدمات، نرخ ارز و تعرفه بر اساس قوانین بازار تحقق یافته باشد. از ۱۷۲ کشوری که با ضوابط WTO در فاز ثبات اقتصادی قرار دارند، همه از سه مرحله فوق عبور کرده‌اند. ■

مجموع عوامل فوق نشان می‌دهند اگر ۳۰۰ درصد تورم در اقتصاد ایران ایجاد شود و نرخ ارز ثابت بماند، نرخ ارز در ایران با معیار تعیین نرخ ارز در ۱۶۲ کشور جهان سازگار شده است. لذا ذکر این نکته حایز اهمیت است که نرخ ارز در ایران واقعی نیست و سخن از ثبات اقتصادی تا قبل از واقعی شدن نرخ ارز با جریان پیچیده واقعیت تصادم دارد.

قیمت کالا

اگر هر خانواده ایرانی در ماه ۵۰۰ هزار تومان هزینه کند، با لحاظ کردن ۱۸ میلیون خانواده در کشور، در سال ۱۰۸ هزار میلیارد تومان خرید کالا در کشور صورت می‌گیرد. با فرض قیمت ۷۰ دلار برای هر بشکه نفت، دولت ایران حدود ۵۴ هزار